نگاه

زمان سلطه سفارتخانه‌ها به پایان رسیده است

دبیرکل جنبش مقاومت اسلامی نجباء عراق، وضعیت فعلی دولت ایالات‌متحده را به روزهای پایانی صدام‌حسین تشبیه و تصریح کرد که آمریکا تا فروپاشی در نظام جهانی فرصت چندانی ندارد. شیخ «اکرم الکعبی» دبیرکل جنبش مقاومت اسلامی نجباء به‌مناسبت سالگرد شهادت آیت‌الله «محمد محمدصادق الصدر» و ۲ فرزندش با تأکید بر اینکه امروز آمریکا مانند صدام دیکتاتور، از داخل سقوط کرده و در نظام جهانی نیز در حال فروپاشی است، ادامه داد: وقت آن است که جهانیان، فروپاشی سیستم مافیا، جنایت و ترور را ببینند. زمان پایان دادن به هیمنه پوشالی آمریکا و سلطه بانک فدرال بر ثروت‌های عراق فرارسیده است. دبیرکل نجباء ضمن یادآوری این جمله از شهید صدر که دوران حکمرانی سفارتخانه‌ها در جهان پایان یافته است، افزود: کسی که خیال می‌کند آمریکای امروز همان آمریکای دیروز است، باید تفکر خود را تغییر دهد. همانگونه که وقتی انقلابیون و در رأس آنها شهید «ابومهدی المهندس» در برابر سفارت شر ایستادند، هیچ‌کس جز چند مزدور نگهبان در سفارتخانه باقی نماند و همگی به اربیل گریختند.

الکعبی با اظهار تأسف از بازگشت متکبرانه اشغالگران به عراق، اضافه کرد: سفیر شرور در کشور مقدسات جولان می‌دهد، گویی که بر این کشور تسلط دارد؛ تا آنجا که تهدید می‌کند!

وی ادامه داد: کلاغ‌های نیروهای هوایی آمریکا به‌طور دائم حریم هوایی عراق را نقض می‌کنند و سفیرشان در کمال پررویی تصریح می‌کند که از عراق نخواهند رفت! فرمانده عالی‌رتبه مقاومت اسلامی عراق در خاتمه پیام خود، خطاب به دولت شیطانی آمریکا و سفیر ایالات‌متحده در بغداد اعلام کرد: ما قومی هستیم که در مسیر امام حسین علیه‌السلام قدم برمی‌داریم و به اندازه یک چشم به‌هم زدن از مرگ نمی‌هراسیم، بلکه به‌دنبال شهادتیم.

دریچه

پایان دوران آمریکا فرارسید

نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی با اذعان به پایان هژمونی جهانی آمریکا، نوشت، پایان دوران آمریکا خیلی زود فرا رسید و اگر نتواند مشکلات داخلی را حل کند، دیگر در جهان اثرگذار نخواهد بود.

«فرانسیس فوکویاما» نظریه‌پرداز و متخصص روابط بین‌الملل آمریکایی طی یادداشتی نوشت: «به‌نظر می‌رسید که تصاویر وحشتناک افغان‌های ناامید برای خروج از کابل پس از فروپاشی دولت مورد حمایت غرب نشان‌دهنده یک مقطع بزرگ در تاریخ جهان است. زیرا آمریکا از جهان رویگردان شده است. با این حال درحقیقت، پایان دوران آمریکا خیلی زودتر از موعد فرارسیده است. فوکویاما در تحلیل خود در وب‌گاه (The World Ahead) نوشته است: دوره اوج هژمونی آمریکا کمتر از ۲۰ سال طول کشید. مشکلات داخلی آمریکا مانند موریانه تخته زیرین هژمونی جهانی این کشور را از درون نابود کردند. مقدار تک‌قطبی در این دوره از تاریخ نادر بوده است.

این تحلیلگر آمریکایی ادامه داد: جامعه آمریکا عمیقا دوقطبی شده است و این مسئله دستیابی به اجماع در مورد هر چیزی را مشکل کرده است. به‌طور معمول یک تهدید خارجی بزرگ مانند یک بیماری همه‌گیر جهانی باید فرصتی برای شهروندان باشد تا حول یک واکنش مشترک جمع شوند. اما بحران کووید به تعمیق شکاف‌های آمریکا کمک کرد. فوکویاما ادامه داد: آمریکا موقعیت هژمونیک قبلی خود را باز نمی‌یابد و همچنین نباید آرزوی آن را داشته باشد. آنچه می‌تواند به آن امیدوار باشد حفظ نظم جهانی حامی ارزش‌های دمکراتیک با کشورهای همفکر است.

نیم نگاه

حرکت به سمت نظام چندقطبی و پایان هژمونی آمریکا

دبیرکل حزب‌الله لبنان گفت: جهان امروز به‌سوی نظامی چندقطبی درحال حرکت است. این یعنی پایان هژمونی تک قطبی آمریکا.

سید حسن نصرالله افزود: همزمان شاهد شکست پروژه‌های تروریسم و آغاز گشودگی منطقه بر آرامش و گفت‌وگو بوده‌ایم. این موضوع در توافق میان ایران و عربستان مشهود است. این توافق اقدامی برای حل مشکلات بین‌الملل بود که درهای نزاع و درگیری نظامی که دشمنان روی آن شرط‌بندی کرده بودند را شکست. همچنین این نوع توافق‌ها پروژه عادی‌سازی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه به‌خصوص کشورهای عربی را با بن‌بست روبه‌رو خواهد کرد.

وی اضافه کرد: همزمان تحولات داخلی رژیم صهیونیستی افول صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها را بیشتر از همیشه نشان می‌دهد. از این‌رو باید گفت پروژه‌های توسعه طلبی آمریکا در غرب آسیا با شکست کامل مواجه شده است.

دبیرکل حزب‌الله لبنان با بیان اینکه محور مقاومت از مشکلات سال‌های پیش خود با موفقیت عبور کرده و قوی و منسجم در منطقه ظاهر شده است ادامه داد: رژیم صهیونیستی با بحرانی روبه‌رو شده است که در عمر ۷۵سال خود بی‌سابقه بوده است.

به گفته نصرالله، افزایش ظرفیت‌های روزافزون محور مقاومت در نوار غزه نشان می‌دهد که کرانه باختری سپر بیت‌المقدس است. به‌طوری که مردمان آن‌چه مرد و زن یا پیر و جوان، خط مقدم دفاع از مقدسات را تشکیل می‌دهند. نباید فراموش کنیم که شهید حاج قاسم سلیمانی در راه آزادی فلسطین به شهادت رسید. پس مسئولیت پشتیبانی از کرانه باختری یک مسئولیت اخلاقی، ایمانی و جهادی است.

توسعه نفوذ ایران در جهان

ایران با احیای روابط با کشورهای منطقه و برقراری ارتباط با دولت‌های فرامنطقه‌ای، در حال توسعه عمق استراتژیک خود است

گزارش

امیررضا قشقایی
روزنامه‌نگار

منطقه غرب آسیا به‌عنوان یکی از پرتنش‌ترین نقاط جهان همواره از سوی کشورهای فرامنطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته و این کشورها کوشیده‌اند با دمیدن بر آتش اختلاف میان سران کشورهای این حوزه، آب را گل‌آلود کرده و از آن برای منافع نامشروع خود ماهی بگیرند و از این طریق بر کشورهای آسیایی تسلط خود را حفظ کنند. سیاستی که گرچه در سال‌های گذشته به خوبی توانست برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای مؤثر واقع شود اما تغییر معادلات سیاسی و موازنه قدرت در آسیا و خصوصا غرب آسیا سبب شده است قدرت نظامی کشورهای فرامنطقه‌ای و توجیه حضور آنان در این منطقه به‌شدت زیر سؤال برود. در گزارش پیش‌رو درباره دلایل تغییر موازنه قدرت در منطقه خاورمیانه، نقش و جایگاه ایران در شکل دادن به این موازنه و نیز چگونگی نقش‌آفرینی ایران در معادلات نظم نوین جهانی پرداخته‌ایم.

برزیل که چند سالی است سیاست‌های خود را مستقل از کشورهای دیگر به پیش می‌برد و استقلال خود را حفظ کرده است؛ در ماجرای اخیر پهلوگیری ناوهای جنگی ایران در یکی از بنادر برزیل این سیاست را به خوبی نشان داد. این در حالی بود که آمریکا به شکل مستقیم با تحریم ناوهای ایرانی از دولت برزیل خواسته بود مانع از پهلوگیری این ناوها شوند. با این حال دولت برزیل از ناوهای جنگی ایرانی استقبال و با تامین نیازهای آنان اجازه عبورشان را صادر کرد تا نشان دهد آمریکا دیگر آقای جهان نیست.

ایران به این کشور زمینه را برای نزدیکی روابط میان ۲ کشور مسلمان آسیایی فراهم کرده است. کشورهایی که با همپوشانی مواضع خود می‌توانند هم‌افزایی بالایی در قبال رویدادهای بین‌المللی داشته باشند.

آغاز پایان هژمونی نظام سلطه

وجود شخصیت هایی مانند شیخ زکزاکی در نیجریه نشان می دهد ملت ها بیدار شده اند و صدای انقلاب ایران راشنیده و گام در مسیر افول آمریکا و نظام سلطه گذاشته اند

بسیاری بر این باورند که انقلاب اسلامی از الگوی خاصی پیروی می‌کند. شما هدف نهایی انقلاب اسلامی را در چه موضوعی می‌بینید؟

انقلاب اسلامی روند تکاملی خود را از حدود ۶۰سال قبل آغاز کرده و به‌تدریج با توجه به پیچیدگی منحصربه‌فردی که دارد، مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. به‌عبارت دیگر، رویدادهای بعد از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ مقدمه شکل‌گیری انقلاب اسلامی بود؛ روندی که با یک نیروی ناشناخته در صحنه سیاست بین‌الملل به پیروزی رسید و با پیروزی آن بسیاری از الگوهای انقلاب‌های قبل از خود را نقض و مفاهیم جدیدی را در ادبیات سیاسی جهان تولید کرد که تا پیش از آن در قالب نمونه‌های دیگر انقلاب‌ها نمی‌گنجید.

انقلاب اسلامی صرفا برای تغییر نظام سلطنتی به جمهوری اسلامی یا خارج کردن آمریکا از ایران یا ساقط کردن ۲ امپراتوری شرق و غرب و تفکر سوسیالیستی و سرمایه‌داری شکل نگرفت، بلکه وقوع آن با این هدف بود که قدم به قدم برنامه‌هایی را که اسلام تعریف کرده است، اجرایی کند و بتواند این برنامه‌ها را به شکل کلان در نظام جهانی معرفی و اجرایی کند.

آنچه ما در این مدت گذرانده‌ایم بخشی از مراحلی بود که برای رسیدن به تکامل امروز باید از آن عبور می‌کردیم تا بتوانیم این هدف را محقق کنیم. امام(ره) در سال اول بعد از انقلاب چند جمله بسیار مهم دارند. به‌عنوان مثال، در ۱۲فروردین ۱۳۵۸ و ۲ماه بعد از پیروزی انقلاب می‌فرمایند: امروز روز آغاز حرکت به‌سوی «حکومت‌الله» در جهان است. این جمله برای بسیاری از نیروهای انقلاب هم که در صحنه بودند مشخص نبود و درشرایطی که ما نه کشوری سازماندهی شده بودیم و نه قانون اساسی و دولت داشتیم، مطرح‌شدن این جمله عجیب بود. اکنون شاهد تحقق این جمله امام راحل هستیم. انقلاب اسلامی نشان داد که مسیری را برای تغییر تاریخ بشریت طراحی کرده و این مسیر به‌تدریج در حال طی‌شدن است؛ حتی اگر نیاز به ۱۰۰سال زمان داشته باشد.

انقلاب اسلامی و تفکر آن در طول ۴ دهه گذشته موفق شده است بسیاری از ساختارهای فکری، فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی را در دنیا تغییر دهد. به‌عبارت دیگر، امروز اثری از کمونیست، ناسیونالیست، سوسیالیسم و حتی سکولاریسم نیست. امروز دنیا به‌تدریج به سمتی می‌رود که فلسفه‌های موجود پاسخگوی نیاز بشر نیست. حرکت‌هایی که علیه جمهوری اسلامی ازسوی طیف گسترده‌ای از دشمنان آن در دنیا شکل گرفته، با این هدف انجام شده که مسیر درست انقلاب ادامه پیدا نکند

رهبری

جمهوری اسلامی و جهان آینده از نگاه رهبر معظم انقلاب

رهبر معظم انقلاب در سخنانی از شکل یافتن تدریجی نظم جدید جهانی خبر می‌دهند و بر این نکته تأکید می‌کنند که در شکل‌گیری این نظم ایران باید بتواند سهم و جایگاه خود را به درستی به‌دست آورده و آن را تبیین کند. جایگاهی که با اتکا به نیروی جوانی و انگیزه بالا برای تحقق این هدف نیاز دارد. در ادامه به فرازهایی از سخنان ایشان درباره تحولاتی که در جهان امروز در حال شکل‌گیری است پرداخته‌ایم.

جایگاه ایران در نظم جدید جهانی کجاست؟

من قبلا در یکی دو سخنرانی گفته‌ام که علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان دارد تغییر می‌کند و علائم این تغییر روزبه‌روز و به شکل واضح‌تری دارد خودش را در نقشه سیاسی جهان نشان می‌دهد. این به‌معنای تغییر نقشه سیاسی جهان در آینده است. این مسئله تک قطبی و زورگویی کردن یک قدرت یا ۲ قدرت بر ملت‌ها و کشورها به این حالت فعلی دیگر مشروعیت خود را از دست داده است و ملت‌ها بیدار و آگاه شده‌اند و زیر بار چنین موضوعاتی نمی‌روند. اکنون نظام تک قطبی مطرود شده است و دارد مطرودتر نیز می‌شود. نظم جدیدی در حال شکل گرفتن است و این نظم جدید جهانی بر مبنای خطوط اساسی دارد شکل می‌گیرد که یکی از این خطوط انزوای آمریکا است. در نظم نوین جدید، آمریکا منزوی است. دومین خط این نظم؛ انتقال قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی علمی از غرب به آسیا که در حال رخ دادن است و نشانه‌های آن نیز دیده می‌شود. خط سوم این نظم جدید جهانی که از بارزترین خصوصیات آن است، فکر مقاومت و جبهه مقاومت و گسترش آن است که در حال وقوع است. مبتکر تفکر مقاومت جمهوری اسلامی است. در این دنیای جدید ایران کجاست؟ این چیزی است که باید به آن فکر کنیم و باید خود را برای آن آماده کنیم. ما می‌توانیم با شکل دادن به این نظم جدید جایگاه برجسته‌ای داشته باشیم.

۱۱آبان ۱۴۰۱

دنیا در آستانه نظم جدید

این را من به شما عرض بکنم: امروز جهان در آستانه یک نظم جدید است؛ یک نظم بین‌المللی جدید در پیش است برای دنیا، در مقابل نظم دوقطبی‌ای که بیست و چند سال پیش بود - آمریکا و شوروی؛ غرب و شرق - و در مقابل نظم تک‌قطبی‌ای که بوش پدر بیست و چند سال پیش اعلام کرد. بعد از خراب شدن دیوار برلین و از بین رفتن دستگاه مارکسیستی دنیا و حکومت‌های سوسیالیستی، بوش گفت امروز دنیا، دنیای نظم نوین جهانی، نظم تک‌قطبی آمریکاست؛ یعنی آمریکا در رأس دنیا قرار دارد. او البته اشتباه می‌کرد؛ بد فهمیده بود. از همان ۲۰ سال قبل، بیست و چند سال قبل تا امروز روزبه‌روز آمریکا ضعیف‌تر شده؛ هم درون خودش و در سیاست‌های داخلی‌اش، هم در سیاست‌های خارجی‌اش، هم در اقتصادش، هم در امنیتش، در همه چیزها آمریکا از ۲۰ سال پیش تا امروز ضعیف‌تر شده، لکن به هر حال امروز دنیا در آستانه یک نظم جدید است. این جنگ اوکراین را به‌نظر من باید یک مقداری با یک دید عمیق‌تری نگاه کرد؛ این جنگ صرفا یک حمله نظامی به یک کشور نیست. ریشه‌های این حرکتی که امروز انسان دارد در اروپا مشاهده می‌کند، ریشه‌های عمیقی است و آینده‌های پیچیده و دشواری را انسان حدس می‌زند که وجود داشته باشد. خب اگر فرض کنیم که این حدس ما حدس درستی باشد و دنیا در آستانه یک نظم جدید باشد، آن وقت همه کشورها از جمله کشور ایران اسلامی ما وظیفه دارد جوری در این نظم جدید حضور پیدا کند - حضور سخت‌افزاری و حضور نرم‌افزاری - که بتواند امنیت کشور را، و منافع کشور را و ملت را تأمین کند، در حاشیه نماند، عقب نماند. خب اگر قرار شد که کشور بخواهد یک چنین کار بزرگی را انجام بدهد یعنی حضور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری داشته باشد در تشکیل نظم جدید جهانی، بیشترین مسئولیت به‌عهده کیست؟ صفوف مقدم چه کسانی هستند؟ دانشجوها، دانشگاهیان؛ یعنی شماها باید جلوتر از همه باشید؛ شماها بایستی تأثیرگذارترین قشرها باشید.

۶اردیبهشت ۱۴۰۱

تحول جهانی در مسیر تضعیف دشمنان انقلاب

بنده مدتی قبل گفتم که دنیا در معرض یک تحول سیاسی مهم است؛ یعنی وضع نظم جهانی در حال تغییر است که خب حالا این حرف دارد از جاهای مختلف شنیده می‌شود، تکرار می‌شود. من امروز می‌خواهم عرض بکنم که این تحول جهانی خوشبختانه در جهت تضعیف جبهه دشمنان جمهوری اسلامی است؛ این چیز مهمی است. اولا تحولات خیلی سریع دارد انجام می‌گیرد؛ خیلی با سرعت؛ ثانیا با همین خصوصیتی که گفتم، در جهت تضعیف آن جبهه است؛ این تحولات تاکنون این‌جوری است. خب این چه چیزی را اقتضا می‌کند؟ اقتضا می‌کند که ما در مسئله سیاست خارجی، ابتکاراتمان را افزایش بدهیم؛ ابتکار و تحرک و فعالیت و مانند اینها را باید افزایش بدهیم و از فرصت استفاده کنیم.

حالا من گفتم جبهه مقابل ما در این نظم دارد تضعیف می‌شود که نمونه‌هایی [دارد] که حالا عرض می‌کنم. خب یکی از مهم‌ترین مخالفین ما در سطح دنیا دولت آمریکاست دیگر. آمریکای اوباما از آمریکای بوش ضعیف‌تر بود؛ آمریکای ترامپ از آمریکای اوباما ضعیف‌تر بود؛ آمریکای این آقا از آمریکای ترامپ ضعیف‌تر است. چطور می‌گوییم ضعیف است؟ اولا در داخل آمریکا یک دوقطبی‌ای، دو سه سال پیش سر انتخابات به‌وجود آمد؛ این دوقطبی هنوز به حال خودش با شدت باقی است؛ این ضعف است دیگر! این خیلی مهم است. در این انتخابات اخیر چندماه پیش کنگره‌شان هم مشخص شد که این دوقطبی با شدت هنوز وجود دارد. آمریکا بحران سیاسی رژیم صهیونیستی را - که برایش خیلی مهم است - نتوانسته حل کند؛ این ضعف آمریکاست. رژیم صهیونیستی برای آمریکا خیلی مهم است. می‌بینید که رژیم صهیونیستی هم در چه وضعی است، که حالا بعدا من هم اشاره می‌کنم؛ آمریکا نتوانسته این را حل کند. آمریکا اعلام کرد که می‌خواهد یک جبهه متحد عربی ضدایران، ضدجمهوری اسلامی به‌وجود بیاورد تا در برابر ایران متحد عمل کنند؛ امروز عکس آنچه آنها می‌خواستند دارد اتفاق می‌افتد.

۱۵فروردین ۱۴۰۲